

## تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی شهروندان

دکتر خلیل‌اله سردارنیا\*

### چکیده

درگیرشدگی مدنی از جمله ملزومات بنیادین مردم‌سالاری و شهروندی است. از ربع پایانی سده ۲۰ به بعد با پدیده‌ای به نام «انفجار اطلاعات و آگاهی سیاره‌ای» روبه‌رو بوده‌ایم. اینترنت از یک‌سو، اطلاعات و نگرش‌های دموکراتیک را گسترش داده و از سوی دیگر نوعی مشارکت سیاسی جدید برخط (اینترنتی) را موجب شده است. در این نوشتار با بررسی نتایج برخی از مهم‌ترین مطالعات کمی انجام شده، این نظریه برجسته شده است که اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی جوانان و بزرگسالان تحصیلکرده‌تر در دو نوع یادشده (برخط و غیر برخط) تا حد به نسبت خوبی (نه قوی و زیاد) تأثیرگذار بوده است. براساس این مطالعات، نویسنده در پایان مدلی زمینه‌گرا در زمینه تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی ارائه داده است.

واژگان کلیدی: اطلاعات سیاسی، اینترنت، برخط و خارج از خط، شهروندان

## مقدمه

با پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی-اطلاعاتی همچون اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تلویزیون‌های کابلی، کامپیوتر و ویدئو در چند دهه واپسین سده بیستم، انقلابی عظیم در عرصه ارتباطات دوربرد و الکترونیک با برد جهانی رخ داد. در بین این فناوری‌ها، ماهواره و اینترنت شاخص‌ترین و اصلی‌ترین آنها شناخته شده‌اند، به طوری که در چند دهه اخیر تأثیرات بسیار شگرفی بر حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و دولت‌ها و ملت‌ها به جای گذاشته‌اند و به واسطه همین تأثیر قلمرو و مرزهای دولت-ملت‌ها در سطوح گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کم‌رنگ شده و تا حد زیادی آسیب‌پذیر گشته‌اند.

با پیدایش اینترنت و شبکه گسترده جهانی آن، زمینه‌های اولیه حوزه عمومی جهانی و شهروندی جهانی تکوین یافته است و امید می‌رود در آینده این حوزه گسترش بیشتری یابد. ایفای نقش شهروندی فعال در عرصه محلی، ملی و حتی جهانی، و درگیرشدگی فعالانه مدنی و سیاسی، مستلزم دسترسی فزاینده شهروندان به اطلاعات، یادگیری و درونی‌سازی آموزه‌های دموکراتیک و نگرش‌های مدنی است. در عصر جدید، شاهد نوعی انفجار اطلاعات هستیم و اطلاعات به صورت تصاعدی و شتابان در حال گسترش است. هر چند همواره دسترسی به اطلاعات نوعی ضرورت بوده است، امروزه این ضرورت بیش از گذشته احساس می‌شود. گفته می‌شود کنترل اطلاعات در عصر جدید، اهرم اصلی قدرت و عنصر اساسی استیلای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی است (ماریا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹، ص ۳۴).

شواهد و داده‌های تجربی مربوط به کشورهای برخوردار از شبکه اینترنت حاکی از آن است که اینترنت، پس از تلویزیون، مهم‌ترین منبع اطلاعات و آگاهی سیاسی و اجتماعی در کشورها از جمله جوامع دموکراتیک بوده است و در آینده انتظار می‌رود این رسانه در این کارکرد خود از تلویزیون پیشی بگیرد. همچنین داده‌های تجربی نشان می‌دهند کارکرد اینترنت در حوزه درگیرسازی یا مشارکت مدنی و سیاسی در برخی از کشورهای دموکراتیک و پیشرفته صنعتی از جمله ایالات متحده آمریکا، انگلیس و کانادا تا حدودی قابل توجه بوده است. هر چند این یافته‌ها قابل تعمیم به کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیست و هنوز شواهد خوبی در زمینه تأثیر اینترنت بر مشارکت و

1. Maria

درگیرشدگی مدنی و سیاسی شهروندان این کشورها چه به صورت برخط<sup>۱</sup> و چه غیر برخط<sup>۲</sup> ارائه نشده است، ولی به نظر می رسد اینترنت منبع به نسبت مناسب اطلاعات و آگاهی سیاسی جوانان و افراد دارای سطح تحصیلی بالا در این کشورها باشد و پیش بینی می شود در آینده گسترش بیشتری نیز بیابد.

در این نوشتار بر کارکرد اینترنت در درگیرسازی مدنی و سیاسی شهروندان چه به صورت برخط (اینترنتی) و چه به صورت عادی و غیر برخط تمرکز شده است. نخست مباحث نظری مربوط به کارکرد اطلاع رسانی و درگیرسازی مدنی اینترنت براساس مطالعات کمی انجام شده در کشورهای پیشرفته مورد بحث قرار می گیرد و سپس با مرور سه رویکرد درباره تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی، مدل پیشنهادی زمینه گرا پیرامون موضوع ارائه می شود.

در این مقاله، درگیرشدگی مدنی<sup>۳</sup> در قالب گفتگو و کنش جمعی در درون طیفی از علایق، نهادها و شبکه های اجتماعی؛ شکل گیری و گسترش هویت های مدنی؛ و درگیرسازی مردم در پویای حکمرانی تعریف شده است. این مفهوم از مفهوم «مشارکت سیاسی»<sup>۴</sup> متمایز است و آن را باید در قالب فرصت های فراهم شده از سوی حکومت برای شهروندان به منظور بیان و انتقال تقاضاها و پشتیبانی ها به پویای تصمیم گیری حکومت تعریف کرد (پارک هون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷، صص ۸۹).

در مجموع، اصطلاح درگیرشدگی مدنی، کلی تر و عام تر از مشارکت و درگیرشدگی سیاسی است و طیفی از فعالیت های شهروندان مانند: رای دادن، شرکت در همایش ها و سخنرانی ها، ارسال پیام نگار (ایمیل)، عضویت در انجمن های داوطلبانه و سیاسی، فعالیت برای مبارزات انتخاباتی حزبی و غیرحزبی، شرکت و حمایت از اعتراضات، امضای شکوائیه ها، تماس با مقامات عمومی و حکومتی، همکاری در فعالیت های خیریه، نعدوستانه و اجتماعی محلی و منطقه ای و مانند آن را آنچه به صورت واقعی و سنتی و چه به صورت مجازی و غیره شامل می شود (همان).

1. on line

2. off line

3. civic engagement

4. political participation

5. Park Hun

## نگاهی به مهم‌ترین مطالعات پیمایشی انجام شده در کشورهای غربی درباره تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی

پارک هون در مطالعه خود بر اساس داده‌های پیمایشی اینترنتی مؤسسه پی‌یو<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۴ در زمینه تأثیر حکومت الکترونیک (استفاده از شبکه اینترنت برای ارائه اطلاعات و خدمات الکترونیک به عموم) و وبسایت‌های انتخاباتی بر درگیرشدگی سیاسی شهروندان امریکایی به نتایج زیر دست یافته است:

- اینترنت، ابزاری مهم برای کسب اطلاع در زمینه مسائل سیاسی-اجتماعی جهان بوده و با عضویت جوانان تحصیلکرده دانشگاهی در گروه‌ها و نهادهای مدنی به‌طور معنی‌دار و قابل توجهی مرتبط است.

- اینترنت، میزان مشارکت و درگیرشدگی سیاسی برخط کاربران (غیر فعالان حزبی) را در زمینه انتخابات (ارسال پیام‌نگار به دیگران برای شرکت در انتخابات و اظهارنظر درباره نامزدهای انتخاباتی) نسبت به غیر کاربران به میزان ۱۰ درصد افزایش می‌دهد.

- کاربران وبسایت‌های انتخاباتی، ۲۳ درصد بیشتر از غیرکاربران در فعالیت‌های انتخاباتی درگیر بوده‌اند.

- دانش و اطلاعات سیاسی اینترنتی، در حدود ۳۵ درصد بر درگیرشدگی مدنی کاربران اینترنتی تأثیر داشته است.

- محرک‌ها یا فرصت‌های موجود در محیط اینترنتی ۴۲ درصد بر درگیرشدگی مدنی و سیاسی کاربران تأثیر داشته است. در مجموع، میانگین نمره درگیرشدگی کاربران چه به صورت برخط و چه به صورت غیر برخط از نمره غیرکاربران در شکل غیر اینترنتی آن بالاتر بوده است.

- اینترنت یا حکومت الکترونیک تأثیر مثبت و معنی‌داری بر درگیرشدگی انتخاباتی کاربران غیرحزبی و تا حدی کاربران فعال حزبی داشته است، ولی تأثیر وبسایت انتخاباتی بر درگیرشدگی بیشتر بر کاربران فعال حزبی (در جمع‌آوری آرا، کمک‌های انتخاباتی و همایش‌های انتخاباتی) بوده است تا کاربران غیر فعال حزبی.

تسالیکی<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تجربی در زمینه تأثیر اینترنت بر تسهیل مشارکت و گفتگوی دموکراتیک در فنلاند، بریتانیا، هلند، اسپانیا، و یونان با روش تحلیل محتوای تریبون‌های برخط، به این نتیجه می‌رسد که این تریبون‌ها، ارتباطات دوسویه، کسب اطلاعات سیاسی و تنوع نظرها و فضای عمومی را در بین کاربران و علاقه‌مندان سیاسی با تجربه پیشین فعالیت سیاسی، تا حد زیادی افزایش داده است، اما تأثیری روی شهروندان نداشته است.

مطالعه گرومیدس<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) بر اساس یافته‌های پیمایشی حاصل از پژوهش در دانشگاهی در انگلستان روی ۴۸۷ دانشجوی کارشناسی به عنوان نسل اینترنتی جوانان نشان می‌دهد که بین اشکال سنتی مشارکت این جوانان (غیر برخط با مشارکت پایین) و اشکال درگیرشدگی سیاسی و مدنی برخط آنها تفاوت وجود دارد؛ یعنی مشارکت سیاسی و مدنی برخط آنها بالاتر از مشارکت متداول بوده است (به نقل از لاولس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). البته میزان عضویت آنها در نهادهای داوطلبانه بسیار بالاتر از عضویت در احزاب بوده است (به ترتیب ۴ و ۴۹ در مقابل ۶ درصد). همچنین نتایج نشان می‌دهد تلویزیون در میزان درگیرشدگی سیاسی و مدنی این جوانان به مراتب بیشتر از اینترنت تأثیر داشته است (به ترتیب ۶۰/۷ در مقابل ۱۲ درصد). تأثیر تلویزیون بر مشارکت سیاسی آنها معنی‌دار و مهم نشان داده شده، ولی تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی آنها مثبت اما کمتر مهم بوده، همچنین این تأثیر بر درگیری مدنی و عضویت در نهادهای داوطلبانه مدنی مثبت و معنی‌دار و بیشتر از درگیرشدگی سیاسی آنها بوده است (به ترتیب  $P < 0/001$  در مقابل  $P = 0/004$ ).

نتایج مطالعه پیمایشی ژینگانگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) درباره تأثیر سرمایه اجتماعی و ارتباطات رسانه‌ای بر درگیرشدگی شهروندان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با دو شاخص عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های مدنی و اعتماد و همکاری متقابل، تأثیر مهم و قوی بر درگیرشدگی شهروندان داشته است. تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی شهروندان بیشتر از رسانه‌های محلی (تلویزیون و روزنامه‌ها) بوده، اما تأثیر هر دو نسبت به سرمایه اجتماعی فرعی و کمتر مهم بوده است. در این پژوهش، تأثیر اینترنت و رسانه‌های

1. Tsaliki

2. Gromidus

3. Loveless

4. Zhigang

دیگر در درگیرشدگی سیاسی شهروندان، غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری ارتباطات فردی، فعالان و عضویت در نهادهای مدنی نشان داده شده است.

مطالعه آلبرکت<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) درباره تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی و مدنی شهروندان شهر هامبورگ با توجه به داده‌های پیمایشی پروژه دموس<sup>۲</sup>، نشان می‌دهد که سه گروه از مشارکت‌کنندگان، از سایت شورای شهر برای اظهارنظر و طرح ایده‌ها و عقاید در مورد توسعه شهر استفاده کرده بودند.

الف) شش هزار نفر تنها از سایت دیدن کردند، ولی در قسمت اظهارنظر، ثبت‌نام نکردند. ب) ۵۳۸ نفر برای اظهارنظر ثبت‌نام کردند، ولی نظری ابراز نداشتند. ج) ۲۶۵ نفر مشارکت فعال داشتند که اظهارنظر هم کرده بودند. در پایان بهترین نظرها انتخاب و از صاحبان آنها در شورای شهر دعوت به عمل آمده بود. آلبرکت نتیجه می‌گیرد که میزان شرکت جوانان و بزرگسالان ۲۰ تا ۴۰ سال، بالاتر از بقیه و مشارکت افراد بالای ۵۰ سال بسیار پایین بوده است. وی نتیجه می‌گیرد هنوز شواهد آن اندازه کافی و قوی نیست که درباره تأثیر اینترنت بر گفتگوی برخط و اینترنتی به روشنی قضاوت کنیم. در همین راستا، بیکر<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) بر این نظر است که نتایج پژوهش‌ها در مورد تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی جوانان تحصیلکرده دانشگاهی، بویژه در عضویت در گروه‌ها و ارائه نظر به صورت برخط امیدبخش است، که نتایج قطعی نیستند. از دید وی، تأثیر اینترنت با توجه به محیط رسانه‌ای، ابعاد جمعیتی یا دموگرافیک و گروه‌ها متفاوت است. مطالعه نوریس<sup>۴</sup> و کورتیس<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) در مورد ۴۲۶۸ رأی‌دهنده بالای ۱۸ سال بریتانیایی نشان می‌دهد که اینترنت بیشتر منبعی مهم برای فعالان و مدیران حزبی در فرایند انتخابات سال ۲۰۰۵ بوده است و برای رأی‌دهندگان، این منبع اهمیت چندانی نداشته، هر چند برای جوانان زیر ۳۰ سال مهم‌تر از افراد مسن بوده است. در این مطالعه تلویزیون و روزنامه‌ها به مراتب منبع مهم‌تری از اینترنت به‌شمار رفته‌اند.

1. Albrecht

2. Demos

3. Baker

4. Norris

5. Curtice

کالندا<sup>۱</sup> و موسکا<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای پیمایشی در زمینه تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی دانشجویان دانشگاه فلورانس طی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ نتیجه گرفتند که بیشتر دانشجویان، در درگیرشدگی سیاسی چه در فضای اینترنتی و چه غیر اینترنتی تا حد قابل توجهی از اینترنت تأثیر پذیرفته‌اند.

بیکر (۲۰۰۶) در مطالعه خود درباره تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی جوانان ۱۶ تا ۲۴ ساله هلندی بر اساس داده‌های پیمایشی یک مؤسسه تحقیقاتی به این نتیجه رسید که استفاده هدفمند سیاسی از اینترنت، عاملی تأثیرگذار و مهم بر مشارکت سیاسی پاسخگویان بوده و بویژه بر پیگیری اخبار و رویدادهای سیاسی تأثیر قابل توجهی داشته است. اگر تأثیر تلویزیون بیشتر بر اشکال مشارکت منفعلانه و غیر اینترنتی بوده، اما اینترنت بیشتر بر اشکال مشارکت فعالانه برخط یا اینترنتی تأثیر داشته و در مورد مشارکت غیر اینترنتی چندان تأثیرگذار نبوده است.

سارا ویسرز<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه خود در زمینه تأثیر ارتباطات فردی و اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی و آگاهی سیاسی دانشجویان مورد مطالعه بلژیکی و کانادایی با روش گروه آزمون و شاهد به این نتیجه می‌رسد که گروه مورد آزمون نسبت به گروه کنترل (شاهد) به لحاظ اطلاعاتی و شناخت، قوی‌تر و تأثیر اینترنت نیز بیشتر از عامل ارتباطات فردی بوده است. اینترنت در تصمیم دانشجویان مورد مطالعه به مشارکت سیاسی مهم‌تر از عامل ارتباطات فردی بوده، ولی با کمال تعجب در مشارکت عملی (نه تصمیم به مشارکت) تأثیر ارتباطات فردی مهم‌تر از عامل اینترنت نشان داده شده است. گیبسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) در مطالعه خود با استناد به داده‌های پیمایشی معتبر در مورد جامعه امریکا به این نتایج می‌رسد:

الف) شهروندان زن و دارای سطح اجتماعی-اقتصادی پایین کمتر به مشارکت سیاسی برخط و غیر برخط علاقه‌مند و درگیر آن بوده‌اند.

ب) مشارکت شهروندان تحصیلکرده و دارای سطح اجتماعی-اقتصادی بالا بیشتر از بقیه بوده است.

---

1. Calenda

2. Mosca

3. Vissers

4. Gibson

ج) اینترنت، افراد و گروه‌های در حاشیه‌مانده سیاسی را به مشارکت سیاسی علاقه‌مندتر ساخته است.

د) فرصت‌های خوب اینترنتی، مهارت ارتباطی و رایانه‌ای و تجربه پیشین فعالیت سیاسی بر درگیرشدگی سیاسی در اینترنت و خارج از آن تأثیر مهمی دارد. کارتر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه خود درباره اینترنت و مشارکت شهروندان بیان می‌دارد که آن دسته از شهروندان ایالات متحده که در منزل به اینترنت دسترسی دارند (۵۵ درصد شهروندان)، ۱۲ درصد بیشتر از بقیه رأی می‌دهند. هر چه میزان اعتماد افراد به سایت مورد نظر بیشتر باشد، احتمال رأی دادن و شرکت در نظرخواهی کاربر اینترنتی بیشتر خواهد بود.

### رویکردهای سه‌گانه درباره تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی و سیاسی

بر اساس مطالعات انجام‌شده، می‌توان گفت سه رویکرد مهم نظری در خصوص تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی در بین نظریه‌پردازان وجود دارد که آنها را به رویکرد «خوشبینانه»، «بدبینانه» و «توأم با تردید» تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱. رویکرد خوشبینانه: طرفداران و طراحان این رویکرد بر این باورند که اینترنت افراد را بیش از گذشته در زندگی اجتماعی، درگیر ساخته، شبکه‌های اجتماعی را تسهیل کرده، به دموکراسی مبتنی بر گفتگو و مشارکت کمک قابل‌توجهی نموده و برای افراد در حاشیه‌مانده یا اقلیت‌های سیاسی، در حوزه عمومی مجازی، فرصت‌های فزاینده مشارکت سیاسی فراهم آورده است. افرادی مانند بنجامین باربر<sup>۲</sup>، رینگولد<sup>۳</sup>، گراس من<sup>۴</sup> و بیکر در عصر اینترنت از واژه‌هایی نظیر دموکراسی قوی<sup>۵</sup> و دموکراسی از راه دور<sup>۶</sup> یاد می‌کنند که بر درگیرشدگی سیاسی برخط و غیر برخط شهروندان و تعامل و تماس‌های مستقیم و نزدیک شهروندان با حکومت دلالت دارد و به نظر آنها اینترنت به تغییر و تحول بنیادی در عرصه سیاسی و اجتماعی و مناسبات شهروندان با یکدیگر و با حکومت و ایجاد گسترش الگوهای نوین مشارکت مجازی انجامیده است (گیسون، ۲۰۰۵، ص ۵۶۲).

۲. رویکرد بدبینانه: به نظر طرفداران این رویکرد، اینترنت به جای ایجاد الگوهای

1. Carter

2. Benjamin Barber

3. Rheingold

4. Grossman

5. strong democracy

6. tele democracy



نوین مشارکت و تحولات بنیادین در این زمینه، تنها موجب تقویت روابط موجود و الگوی‌های مشارکت سیاسی سنتی شده است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی، بویژه اینترنت، تنها به درگیرشدگی سیاسی افراد فعال و علاقه‌مند سیاسی و دارای تجربه فعالیت سیاسی انجامیده است نه همه شهروندان. اینترنت به سمت تقویت شکاف رقمی<sup>۱</sup> بین صاحبان اطلاعات و فقیران اطلاعاتی پیش رفته و تقویت شکاف‌های دموکراتیک بین حاشیه‌مانده‌های سیاسی یا غیر فعالان با فعالان سیاسی و تقویت بازیگران سیاسی خطی را موجب شده است و این افراد از شبکه‌های اینترنتی بیشترین استفاده سیاسی را به‌عمل آورده‌اند.

۳. رویکرد توأم با تردید: براساس این دیدگاه، فناوری‌های اطلاعاتی، بویژه اینترنت با وجود قابلیت‌های سیاسی فراوان، درگیرشدگی مدنی را نه از بین می‌برند و نه تسهیل می‌کنند. آنها تنها بازتاب‌دهنده سیاست و فعالیت‌های سیاسی به‌عنوان امری معمول هستند و تأثیر قابل توجهی بر درگیرشدگی مدنی ندارند (پارک هون، ۲۰۰۷ و نوریس، ۲۰۰۱). به نظر نگارنده در هر سه رویکرد حقایقی نهفته است که موجب می‌شود نتوانیم آنها را به‌طور کامل بپذیریم و یا به تمامی رد کنیم. باید این نکته را که اینترنت فرصت‌هایی برای اقلیت‌های سیاسی فراهم آورده و تغییراتی در حوزه عمومی مجازی ایجاد کرده است و یا قابلیت تأثیرگذاری بیشتر در آینده و درگیرسازی سیاسی گسترده شهروندان را دارد، پذیرفت.

از سوی دیگر، اگرچه اعتقاد به درگیرشدگی فعالان سیاسی و مسئله شکاف رقمی را می‌توان تأیید کرد، بدبینی و بی‌اعتقادی به حضور افراد در حاشیه‌مانده در حوزه سیاست و مشارکت و نفی تحول بنیادین در روابط شهروندی با یکدیگر و با حکومت در کشورهای دموکراتیک پیشرفته قابل پذیرش نیست و باید تحول نسبی و اولیه (و نه کامل) در روابط یاد شده و گسترش آن در آینده را پذیرفت. البته تأثیر اینترنت و منابع اطلاع‌رسانی سیاسی بر تقویت الگوی‌های کلاسیک مشارکت سیاسی تا حد قابل توجهی درست است.

درباره رویکرد تردیدکنندگان نیز باید گفت، این رویکرد در مورد کشورهای

دموکراتیک پیشرفته درست نیست، زیرا تأثیرات نسبی اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی شهروندان را نادیده می‌گیرد، اما آن را باید در مورد کشورهای توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته تا حد زیادی پذیرفت.

خام نوریس (۲۰۰۱) از پژوهشگران برجسته ارتباطات سیاسی، در کتاب «شکاف رقمی» به چند فرضیه عمده در زمینه تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی مدنی و سیاسی اشاره می‌کند:

۱. اینترنت به آگاه‌سازی، سازماندهی، بسیج و درگیرشدگی مدنی و سیاسی افراد جوان و تحصیلکرده‌تر می‌انجامد (فصل ۱۱، ص ۱).
  ۲. اینترنت به‌مثابه تربیونی برای احزاب و گروه‌های سیاسی معترض و در اقلیت، به درگیرشدگی سیاسی آنها کمک می‌کند. گروه‌های معترض و در حاشیه‌مانده از طریق اینترنت می‌توانند فساد سیاسی و اقتصادی، تبعیض‌ها، سرکوب‌های سیاسی، ناکارآمدی‌های حکومت و غیره را آشکار سازند و با برجسته‌سازی این موارد، حکومت و عملکردهای حکومت را به‌طور جدی به چالش فراخوانند (فصل ۵، ص ۴).
  ۳. اینترنت می‌تواند در اشاعه ارزش‌های دموکراتیک مثل مشارکت، آزادی بیان، تساهل، عدالت و مانند آن تأثیرگذار باشد و با تغییر نگرش شهروندان، زمینه درگیرسازی سیاسی آنها را فراهم آورد. بر اساس مطالعه وی، شواهد نشان می‌دهد که کاربران اینترنت در ایالات متحده و اروپا گرایش بیشتری به ارزش‌های دموکراتیک و فرامادی داشته‌اند (فصل ۲، ص ۱۰).
- همچنان که رینگولد با دیدگاهی خوشبینانه به اینترنت، معتقد است در عصر فنآوری اطلاعاتی، حوزه عمومی، تجدیدحیات ریشه‌ای داشته و در این حوزه علاوه بر تبادل اطلاعات، تعامل و گفتگوی شهروندان و درگیرشدگی سیاسی و مدنی آنها در اجتماعات مجازی ممکن گردیده است. شبکه‌های عمومی و الکترونیکی نمایانگر شکل جدیدی از دموکراسی الکترونیکی است (مالینا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). دموکراسی الکترونیکی یا قوی در اشاره به طیفی از کاربرست این فنآوری در زمینه کنفرانس‌ها، گردهمایی‌ها و ارتباطات الکترونیک بین افراد، افراد و گروه‌ها با یکدیگر و با مقامات حکومتی به‌کار می‌رود (هاگو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، صص ۶ و ۱۰۵).

با پیدایش اینترنت، نوعی حوزه عمومی جدید مانند شبکه‌ای تار عنکبوتی شکل گرفته است که در نقاط اتصال این شبکه احزاب، گروه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و فعالان سیاسی حضور دارند که در زمینه‌های مختلف همچون حقوق بشر، محیط‌زیست، دفاع از حقوق نویسندگان و آزادی بیان، زنان و غیره فعالیت می‌کنند. در خطوط این شبکه تار عنکبوتی، اطلاعات مانند برق و به‌سرعت در جریان است. این بازیگران با ارائه اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی، برجسته‌سازی چالش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حکومت‌ها و آموزش مدنی و گسترش نگرش‌های مدنی به شهروندان می‌توانند به درگیرسازی سیاسی فعالان و شهروندان عادی- چه در حوزه عمومی مجازی و چه در حوزه عمومی سنتی- کمک کنند. ارتباطات فردی مجازی با این بازیگران می‌تواند مشوق فعالیت و مشارکت سیاسی شود. در حال حاضر، ایالات متحده با ۶۷ حزب و گروه سیاسی برخط در رده نخست و اسپانیا، بریتانیا، آلمان، ایتالیا و کانادا با ۴۵ حزب و گروه سیاسی اینترنتی در رده دوم قرار دارند (نوریس، ۲۰۰۰).

علاوه بر احزاب و گروه‌های سیاسی، گروه‌های خبری بسیار زیادی وجود دارند که با ارائه اخبار و تفسیرهای سیاسی خود می‌توانند درگیرشدگی سیاسی شهروندان و اعتراضات را گسترش دهند. دپارتمان‌ها و نهادهای حکومتی نیز در محیط اینترنتی حضور دارند و با تشویق شهروندان برای تماس و ارتباط دوسویه با مقامات حکومتی از طریق پیام‌نگار و نظرخواهی از آنان به درگیرشدگی مدنی و سیاسی آنها کمک می‌کنند. به گفته نوریس، در ژوئن سال ۲۰۰۰ چهارده هزار نهاد دولتی در محیط آن‌لاین حضور داشته‌اند که در رأس آنها نهادهای حکومتی امریکای شمالی و اروپای غربی و سپس کشورهای اسکاندیناوی و خاورمیانه بوده‌اند (همان). علاوه بر آنها، در اینترنت برخی سایت‌های انتخاباتی نیز وجود دارند که با ارائه اطلاعاتی درباره نامزدها، برنامه‌های انتخاباتی، سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها می‌توانند شهروندان را به رأی دادن و پرسش از نامزدها تشویق کنند. بر اساس گزارش مرکز تحقیقاتی پی‌یو در سال ۲۰۰۵، هفتاد میلیون امریکایی بین ۲۵ تا ۵۵ سال (۶۸ درصد جمعیت این گروه سنی) از اینترنت برای کسب اخبار، ارسال پیام‌نگار، دسترسی به سایت‌های دپارتمان‌های حکومتی و سایت‌های انتخاباتی استفاده کرده‌اند و میزان استفاده افراد فقیر، مسن و دارای تحصیلات اندک از این فناوری، خیلی کم بوده است (اسکیفینو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

گفتگو و تعامل دموکراتیک و درگیرشدگی پیش‌شرطی مهم برای فرایندهای دموکراتیک به‌شمار می‌رود و این پیش‌شرط خود به‌شدت به اطلاعات و آموزش مدنی شهروندان نیازمند است. یک شهروند برای درگیرشدگی و مشارکت، به اطلاعات اساسی سیاسی-اجتماعی در زمینه حقوق شهروندی، نهادهای سیاسی و وظایف آنها، کارآمدی یا ناکارآمدی‌های حکومت و مانند آن نیازمند است. ارتباطات اینترنتی یک یوتوپیا نیست، بلکه واقعی است و کانال منحصر به فردی است برای انتشار سریع و آنی اطلاعات و تعامل و گفتگوی دوسویه افراد بی‌نام و نشان همراه با برابری شرکت‌کنندگان در گفتگو (همان). در جهان مدرن، سیاست موضوع گفتگوی عمومی و دموکراتیک و کنش جمعی است و فرهنگ دموکراتیک بدون بحث و گفتگوی دموکراتیک در حوزه عمومی نمی‌تواند وجود داشته باشد (تسالیکی، ۲۰۰۲، ص ۹۶). به نظر می‌رسد اینترنت با فراهم کردن فرصت‌های گفتگو و تعامل دوسویه و اظهارنظر در تریبون‌های برخط، نظرخواهی در وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها و دیگر موارد در کشورهای دموکراتیک موفقیت نسبی داشته است و امید می‌رود در آینده گسترش بیشتری یابد، اگرچه در حال حاضر مراحل نخستین خود را طی می‌کند. به نظر می‌رسد در این فضای عمومی، جوانان و بزرگسالان تحصیلکرده بین ۲۵ تا ۵۰ سال بیشتر از سایرین حضور دارند. اینترنت با فراهم کردن این فرصت‌ها می‌تواند به رشد و بهبود گفتگوهای عقلانی و انتقادی و آگاه‌سازی بیشتر کمک کند (آلبرکت، ۲۰۰۳، ص ۲). و از این رهگذر موجب گسترش دموکراسی و درگیرشدگی سیاسی شود، زیرا بدون گفتگوی منطقی انتقادی، اعتراض و چالشی ایجاد نمی‌شود و مشارکت شهروندان، چندان ضرورت نمی‌یابد.

بحث‌های انتقادی اینترنتی ابزار مهم بسیج‌کننده فعالیت‌های اعتراض علیه نشست سران سازمان تجارت جهانی در سیاتل (۲۰۰۲) و دیگر حرکت‌های اعتراضی علیه اقدامات جنگ‌افروزانه از جمله لزوم توقف جنگ در عراق، دفاع از محیط‌زیست، حقوق‌بشر، زنان، قومیت‌ها، زندانیان سیاسی و موارد دیگر بوده است (ریکروفت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). اینترنت در پیوند فعالان سیاسی و سازماندهی حرکت‌ها نقش قابل توجهی ایفا کرده است. در این ارتباط جنبش زاپاتیست‌ها<sup>۲</sup> در مکزیک و جنبش آزادیخواهانه در چین مثال‌هایی بسیار جالب

---

1. Rycroft

2. Zapatista

توجه هستند (جانسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱، ص ۹۹). اینترنت در بسیج اعتراض‌ها، در موضوعات یادشده در اشکال فراملی آن همچون امضای تومارها، بیان دیدگاه‌ها، نظرخواهی و موارد دیگر وسیله‌ای گریزناپذیر است که چه به صورت برخط و چه غیر برخط می‌تواند بسیار مؤثر باشد و در این ارتباط مثال‌های فراوانی هم وجود دارد (ویسر، ۲۰۰۸، ص ۵).

مصادیق مشارکت و درگیرشدگی سیاسی برخط در اینترنت عبارتند از: ارسال پیام‌نگار به مقامات حکومتی، فعالان سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی؛ عضویت در انجمن‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی برخط؛ نوشتن مقاله و یادداشت در وبسایت‌ها؛ طراحی وبسایت‌ها و وبلاگ‌های سیاسی شخصی و گروهی؛ امضای تومارها؛ شرکت در تریبون‌های بحث برخط؛ شرکت در نظرسنجی‌های اینترنتی؛ رأی‌دهی اینترنتی؛ سازمان‌های اعتراضات و پیوند دادن فعالان سیاسی در زمینه یک موضوع سیاسی-اجتماعی خاص همچون زندانیان سیاسی، حقوق بشر، محیط‌زیست؛ ارتباطات دوسویه با مقامات حکومتی و فعالان سیاسی و غیره. بیشتر مؤسسات، نهادها، و شرکت‌ها وبسایت دارند. آمار نشان می‌دهد بیش از ۴۸ میلیون وبسایت در گوگل جستجو شده است (نوریس، ۲۰۰۵).

در زمینه میزان موفقیت اینترنت در درگیرشدگی سیاسی برخط و غیر برخط، اجماع نظری وجود ندارد؛ با وجود این می‌توان گفت این موفقیت در کشورهای دموکراتیک پیشرفته صنعتی به نسبت چشمگیر بوده است و در آینده انتظار می‌رود با گسترش این فناوری قابلیت‌های بسیج‌گری و مشارکتی آن در جهان بیشتر تحقق یابد.

### **پیشنهاد الگویی زمینه‌گرا در زمینه تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی**

منظور از الگوی زمینه‌گرا آن است که در بررسی تأثیر اینترنت بر مشارکت و درگیرشدگی سیاسی نمی‌توان تنها به عامل اینترنت اکتفا کرد. در بررسی این تأثیر توجه به متغیرهای کلان اینترنتی و فردی به شدت مورد نیاز است و بدون این زمینه‌ها، تنها وجود اینترنت به مشارکت سیاسی نمی‌انجامد.

چنان که نمودار ۱ نشان می‌دهد، در سطح کلان، سه متغیر زمینه‌ای مورد توجه است. هر چقدر سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی کشور و سطح توسعه‌یافتگی کشور در زمینه

---

1. Johnson

زیرساخت‌های ارتباطات الکترونیکی - مخابراتی بیشتر باشد، میزان دسترسی به اینترنت و ضرورت دسترسی به آن بیشتر می‌شود. همچنین، هر چقدر سطح توسعه‌یافتگی سیاسی در کشور بالاتر باشد، میزان دسترسی به اینترنت افزایش می‌یابد و موانع سر راه این دسترسی کمتر می‌گردد. وجود چالش‌ها و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی، جهانی و منطقه‌ای نیز به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای کلان، علاقه‌مندی به کسب اطلاعات اینترنتی و درگیرشدگی سیاسی در این زمینه را افزایش می‌دهد.

در سطح محیط برخط، متغیر زمینه‌ای در میزان استفاده از اینترنت عبارت است از، جذابیت‌های سیاسی اطلاعاتی در محیط اینترنت چه به لحاظ اطلاعات سیاسی و چه از نظر حضور مجازی نهادهای مدنی سیاسی و رسانه‌های جمعی، سازمان‌های بین‌المللی، جنبش‌ها و غیره. در سطح فردی، میزان تأثیر اینترنت بر سطح آگاهی و دانش سیاسی و مشارکت سیاسی، به متغیرهای زمینه‌ای مختلف مربوط به کاربران بستگی دارد. بسته به این متغیرها و مشخصات زمینه‌ای، سطح تأثیرپذیری کاربران از اینترنت متفاوت خواهد بود. هرچه سطح درآمد، فرصت دسترسی، تسلط بر زبان و مهارت‌های اینترنتی کاربران بیشتر باشد، نسبت به سایر استفاده‌کنندگان بیشتر از اینترنت تأثیر می‌پذیرند. متغیرهای دموگرافیک<sup>۱</sup> نیز در سطوح متفاوت استفاده و تأثیرپذیری کاربران از اینترنت مؤثر است. جوان بودن کاربر و تحصیلات بالا بر افزایش میزان استفاده از اینترنت تأثیر می‌گذارد. افزایش میزان اعتماد، هدفمندی سیاسی در استفاده، افزایش علاقه‌مندی سیاسی، تجربه فعالیت سیاسی پیشین و سهولت و میزان دسترسی کاربران به اینترنت می‌تواند میزان تأثیرپذیری کاربران از اینترنت را افزایش دهد و شاخص تفاوت سطوح تأثیرپذیری آنها از کاربران باشد. در مجموع، با فراهم بودن متغیرها و شرایط زمینه‌ای فوق در سطح مطلوب، میزان دانش و آگاهی سیاسی کاربران و فراگیری نگرش‌های دموکراتیک در آنها افزایش می‌یابد و به دنبال آن علاقه‌مندی آنها به امور سیاسی، کسب اطلاعات در آن زمینه‌ها و امید به اثربخشی فعالیت‌های سیاسی در آنها بیشتر می‌شود که احتمالاً برونداد نهایی آن افزایش درگیرشدگی سیاسی یا مشارکت فرد در امور سیاسی چه به صورت برخط و چه به صورت مرسوم و متداول (مشارکت خارج از خط) خواهد بود.

### نمودار ۱- الگوی زمینه‌گرا در تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی



## نتیجه‌گیری

در این نوشتار، نخست درباره تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی یا مشارکت سیاسی شهروندان در جوامع دموکراتیک به اجمال بحث شد و آنگاه سه رویکرد نظری خوشبینان، مخالفان و تردیدکنندگان مطرح گردید و دیدگاه نگارنده بر آن بود که بویژه دو رویکرد نخست را نه می‌توان به‌طور کامل پذیرفت و نه رد کرد؛ چرا که هر کدام نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند و می‌توان آن دو را در تبیین تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی به صورت تلفیقی به‌کار برد. با اشاره به دیدگاه‌های نظری برخی نظریه‌پردازان برجسته همچون نوریس و رینگولد، گفته شد که اینترنت، از ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی همچون وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها، تریبون‌های برخط، سایت‌های خبری، انتخاباتی و دپارتمان‌های حکومتی و غیره برخوردار است و در شبکه عنکبوتی اینترنتی، نقاط اتصال آن را بازیگران مدنی و سیاسی ملی و فراملی تشکیل می‌دهند و در امتداد خطوط بین نقاط اتصال، اطلاعات به‌سرعت در جریان است.

اینترنت با قابلیت‌های یاد شده، از یک‌سو به افزایش آگاهی سیاسی و اشاعه نگرش‌های مدنی و دموکراتیک در کاربران می‌انجامد و از سوی دیگر موجب بسیج و مشارکت سیاسی کاربران می‌شود و افراد و گروه‌های در حاشیه‌مانده سیاسی را در فعالیت‌های سیاسی و اعتراضی درگیر می‌سازد.

شواهدی از نقش اینترنت در پیوند فعالان سیاسی و سازماندهی فعالیت‌های اعتراضی در مواردی چون نشست سران سازمان تجارت جهانی در سیاتل، جنبش زاپاتیست‌ها در مکزیک، اعتراض دانشجویان در چین، پیام‌نگارهای سیاسی، امضای تومارها و شکوائیه‌های اینترنتی علیه موارد نقض حقوق بشر، آلودگی زیست‌محیطی، سرکوب‌های سیاسی و غیره در این مقاله به اجمال بیان شدند. اگرچه شواهد به لحاظ کمی قابل توجه هستند، ولی نمی‌توان آن را به همه کشورها تعمیم داد. پیش‌بینی می‌شود در آینده شواهد بیشتری درخصوص مشارکت سیاسی در زمینه‌های یاد شده چه به صورت برخط و چه خارج از خط به‌وجود آیند.

نتایج برخی از مطالعات نشان داد که اینترنت بر عضویت در نهادهای مدنی تأثیر به نسبت خوبی داشته است، با وجود این میزان عضویت کاربران اینترنتی در انجمن‌ها و



گروه‌های داوطلبانه مدنی غیرسیاسی برخط و متداول خیلی بیشتر از عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی بوده است.

نتایج مطالعات نشان داد که اینترنت بر درگیرشدگی و مشارکت کاربران در انتخابات، تمایل آنها به رأی‌دهی و تشویق دیگران به رأی‌دادن از طریق پیام‌نگار تأثیر خوبی داشته است. تأثیر مثبت وبسایت‌های انتخاباتی در جمع‌آوری آراء، شرکت دادن افراد به حضور در همایش‌های انتخاباتی و جمع‌آوری کمک‌های مالی و به‌طور کلی انسجام درون حزبی بیشتر بر فعالان سیاسی بوده است. همچنین درگیرشدگی کاربران در تریبون‌های سیاسی برخط پیشرفت خوبی داشته است.

در مجموع، شواهد نشان می‌دهند که اینترنت به خودی‌خود و به‌دلیل قابلیت‌ها و جذابیت‌های خاص خود بر درگیرشدگی سیاسی در زمینه‌های یادشده تأثیرگذار نبوده است، بلکه تأثیرگذاری آن به متغیرهای زمینه‌ای همچون تجربه فعالیت سیاسی پیشین و علاقه‌مندی سیاسی کاربران در استفاده هدفمند از اینترنت، مهارت‌های ارتباطی و رایانه‌ای، آشنایی به زبان‌های خارجی از جمله انگلیسی، میزان دسترسی و توانایی مالی، میزان اعتماد به سایت‌ها، میزان پیشرفت کشورها در زیرساخت‌های ارتباطی، میزان توسعه‌یافتگی سیاسی و متغیرهای جمعیتی یا دموگرافیک همچون سن، جنس و تحصیلات بستگی دارد.

شواهد همچنین حاکی از تأثیر اینترنت بر درگیرشدگی سیاسی جوانان و بزرگسالان (۲۰ تا ۴۵ ساله)، تحصیلکرده‌های دانشگاهی و فعالان و علاقه‌مندان سیاسی همراه با تجربه مشارکت سیاسی پیشین بوده است و بر گروه‌های سنی دیگر و افراد با سطح تحصیلی پایین و افراد بی‌علاقه به امور سیاسی تأثیر نداشته یا این تأثیر ضعیف بوده است. با توجه به استفاده رو به رشد اینترنت در کشورهای در حال توسعه نیز می‌توان گفت به‌نظر می‌رسد در سال‌های آینده کارکردهای گوناگون اینترنت در این کشورها همچون دیگر کشورهای پیشرفته دموکراتیک گسترش یابد. این کارکردها عبارتند از: هویت‌بخشی در زمینه‌های مختلف؛ اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی؛ انسجام‌بخشی و گسترش روابط اجتماعی و کارکرد نظارتی و مشارکتی و درگیرسازی مدنی و سیاسی شهروندان. شایان ذکر است تحقق این کارکردها مستلزم وجود شرایط لازم و ضروری است که مهم‌ترین آنها وجود زیرساخت‌های فنی و مخابراتی پیشرفته، نظام سیاسی باز یا به

نسبت باز و دموکراتیک، گسترش سواد و کسب مهارت‌های فنی و رایانه‌ای و زبان‌های خارجی بویژه انگلیسی، علاقه‌مندی سیاسی و امید به اثربخشی سیاسی، توان مالی و دسترسی بخش قابل توجه شهروندان به اینترنت و تجهیزات مربوط به آن است. تغییر چهره دموکراسی از الگوهای سنتی به دموکراسی دیجیتال ایجاب می‌کند که توسعه زیرساخت‌های اینترنت در کشورهای در حال توسعه جدی گرفته شود و درگیرسازی مدنی شهروندان از طریق آن، در دستور کار دولت‌های این کشورها قرار گیرد.

### منابع

- Albrecht, Steffen. (2003). **Whose Voices is Heard in the Virtual Public Sphere?** Retrieved from: [www.tu-arburg.de/tbg/Deuteh/Mitarberimen](http://www.tu-arburg.de/tbg/Deuteh/Mitarberimen)
- Baker, A. (2006). **Young People, online Communication & Political Participation.** Retrieved from: [www.kuleuven.be/citizenship/bruges/](http://www.kuleuven.be/citizenship/bruges/) PDF
- Calenda, David & Mosca, Lorenzo. (2007). The Political Use of the Internet Information. **Communication & Society**, Vol. 10.
- Carter, Lemuria D. (2006). **Political Participation in a Digital age.** Ph.D. Dissertation in General Business, Virginia: faculty of virginia.
- Gibson, Rachel. (et.al). (2005). Online Participation in the UK. **BJPIR**, Vol.7.
- Hague, Barry. (1999). **Digital Democracy.** London: Rout ledge.
- Johnson, Abbott. (2001). Democracy & Internet **Third world Quarterly.** vol. 22, No.1.
- Loveless, P. Matthew. (2005). **The Mediated Transition, Mass Media and Political Socialization in Central and Eastern Europe.** Ph.D. Dissertation in Political Science, Indiana University.
- Malina, Ana. (2000). **information literacy for active citizenship.** London: Routledag.

- Maria, Anna. (1999). **perspective on citizen Democratization**. USA, Cholorado: MCBrow Hill.
- Norris, Pippa & Curtice, John. (2007). **A Two-Set Model of the Role of the Internet Campaign Communication Flows during the 2005 Election**. Retrieved from: [www.Pippanorris.com](http://www.Pippanorris.com)
- Norris, Pippa. (2000). **A virtuous circle communication in post industrial societies**. NY. Cambridge university press.
- Norris, Pippa. (2001). **Digital Divide**. Cambridge: Cambridge university press.
- Norris, Pippa. (2005). **Did the Media Matter?** Retrieved from: [www.Pippanorris.com](http://www.Pippanorris.com)
- Park Hun, M. (2007). **How Does Information & Communication Technology Affect Civic Engagement?** Ph.D. Dissertation in Mass Communication, Indiana University.
- Rycroft, Alan. E. (2007). **Yonng Adults & Virtual Public Spheres**. Retrieved from: [www.Sunshine Communications. Ca/artic ales-publics-spheres. PDF](http://www.Sunshine Communications. Ca/artic ales-publics-spheres. PDF)
- Schifino, Linda. (2005). **Engaging Vernacular Voices, Exploring Online Public Spheres of Discourse for Every day Citizens**. Ph.D. Dissertation in Communication Science, Duqusne University.
- Tesaliki, Liza. (2002). Online Forums & The Enlargement of Public space Research Findings from a European Project, **The Public**. Vol. 9 (2).
- Vissers, Sara. (2008). (et.al). **The Potential of Political Mobilization**. Retrieved from: [www.kuleuven.be/citizenship/bruges/visser](http://www.kuleuven.be/citizenship/bruges/visser)
- Zhighang, Sun. (2005). **An O-S-O-R Examination if Relationship Between Mass communication, Social Capital and Civic Engagement**. PH.D. Dissertation in Mass Communication ,Columbia University of Missouri.

